

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه شصتم، ۱۵ دی ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قرارداد اختیار معامله /ادله شرعی قرارداد اختیار معامله

1- حدیث اخلاقی

1.1- لزوم اعتدال و میانه‌روی در امور

سخن امروز و حدیث توصیه‌ای و اخلاقی امروز، فرمایشی است از سر الانبیا والمرسلین حضرت امیرالمؤمنین در حکمت‌های نهج البلاغه:

«كُنْ سَمَحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًّا [1].»

1.2- امر اول: فضیلت بخشندگی و رزیت و لخرجی

الحمد لله رب العالمین. جا دارد در این صبح‌گاه، خدا را شاکر باشیم که با این کلمات، حشر و نشر داریم. حضرت، در این فرمایش، دو امر و دو نهی فرمودند؛ اولین امر این است که بخشنده باش؛ سمح، حالت دست‌باز بودن است؛ نباید انسان، دست بسته باشد؛ دست‌باز در علوم و در اموال باشد، ولی و لخرجی نباید کند؛ و لخرجی در اموال و در علوم؛ علوم، نیاز به اهلیت دارد؛ انسان برای هر کس نباید سفره علمی را پهن کند؛ بخشنده باشید، ولی نه و لخرج؛ هر طور شد، نبخشید.

1.3- امر دوم: فضیلت تقدیر و رزیت سخت‌گیری

امر دوم اینکه شما اهل تقدیر و اندازه‌گیری و اهل محاسبه باشید، ولی شما سخت‌گیر نباشد؛ مقتر نباشید؛ اندازه‌گیر باشید، ولی نه سخت‌گیر؛ قانون کلی است. مفاد فرمایش حضرت، خصلت کلی است که در هر کاری افراط و تفریط نباید داشته باشیم؛ عاقلانه و عالمانه حرکت کنیم؛ میانه‌رو باشیم؛ تندروی و کندروی از خصلت‌های عالم نیست؛ اعتدال و میانه‌روی، نشانه خردمندی است؛ افراط و تفریط، جاهلانه است.

1.4- لزوم اعتدال در خصایص فردی و امور خانوادگی و اجتماعی

در یکی دیگر از حکمت‌ها هست که «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا»؛ [2] جاهل، یا اهل افراط است یا تفریط؛ اعتدال ندارد. اول به خود خطاب می‌کنم که برای همه کارهای مان این قانون را رعایت کنیم. هر حرفی را انسان نباید بزند؛ پرحرفی ناپسند است؛ حرف نزدن هم ناپسند است؛ به جا سخن گفتن، پسندیده است. انسان بزدل باشد، زشت است، ترسو باشد،

زشت است؛ بی‌باک باشد زشت است؛ شجاع باشد، پسندیده است. انسان، هیچ توجه به دنیا نداشته باشد؛ به خانواده و بچه‌هایش و در خودش باشد، ناپسند است؛ همه‌اش با دیگران باشد، نامطلوب است. بی‌مهری و سردمزاجی اجتماعی، نامطلوب است. مطلوب، در سوره بقره است که امت وسط باشد؛ نه یهود نه نصاری و نه مغضوب‌علیهم، بلکه منعم‌علیهم که معتدل هستند.

رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بحار، ج ۷۴ می‌فرمایند: «خیر الأمور أوسطها»؛ [3] بهترین کارها این است که انسان، میانه‌روی داشته باشد. همه این توصیه‌ها، مفاد کریمه قرآن در آیه شریفه سوره اسراء که سفرنامه حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است، آیه ۲۹؛ ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾؛ [4]

مفاد این آیه، همین روایت حضرت امیر علیه‌السلام است؛ بخیل نباشید و هر طور هم انفاق و ولخرجی نکنید؛ کرم خوب است؛ به حدی که به ریخت‌وپاش نرسد. در همه مراحل زندگی، خوراک و پوشاک باید اعتدال داشت.

«نه چندان بخور کز دهانت برآیدنه چندان که از ضعف جانت درآید»؛ [5]

1.5- لزوم اعتدال در عبادات

در عبادات هم باید اهل اعتدال باشیم؛ شوق و ذوق عبادت، یادمان نرود و به کسالت منتهی نشود. حضرت امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در حکمت‌ها دارند که «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَافْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»؛ [6] وقتی اقبال قلبی بود، مستحبات را انجام دهید؛ ولی وقتی ادبار داشت، فقط واجبات.

روزی پدری کارهای خود و بچه‌اش را توصیف می‌کرد؛ اینکه تازه بالغ شده، مجبورش می‌کنیم نماز شب هم بخواند؛ گفتم: شما کار خوبی نمی‌کنی؛ باید شائقش کنی نه مجبور؛ تشویقش کن. اگر دل ادبار و اقبال داشت، باید سراغ نوافل برود. به تفاوت روزها، باید این حالات رعایت شود؛ نه باید طوری باشد که دیگران از ما سوء استفاده کنند، و نه طوری که ولخرجی را از ما یاد بگیرند.

1- 1.6، پرهیز از طعنه زدن به دیگران و ایزاری نکردن بحث اعتدال

مقام معظم رهبری دامت برکاته فرمودند: در مسائل اجتماعی، باید جذب حد اکثری و دفع حد اقلی داشت؛ این برای اعتدال است. میانه‌روی در کارها باعث این می‌شود که ما کاری کنیم که ریزش نیرو نداشته باشیم؛ پرورش، یعنی ریزش؛ آموزش، یعنی ریزش؛ نمی‌شود حوزه داشته

باشیم و کسی را از دست ندهیم؛ اگر می‌خواهیم خار چشم دشمنان و نور چشم دوستان باشیم، نیاز به برنامه‌ریزی دارد؛ نه اینکه این را تبدیل به طنز کنیم و برای منافع حزبی خود استفاده کنیم؛ حزب الله، جز مسیر اعتدال چیز دیگری نیست. در حرکت، عده‌ای ممکن است به قول امروزی‌ها دل‌زده شوند؛ یا باب طبع‌شان نباشد. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم همین طور بودند. اگر انسان همه را جمع کند، نشان نفاق است نه ایمان. رزقنا الله ايانا و اياکم. ولی طوری شده که برخی از همین اعتدال هم برای غیر اعتدال سوء استفاده می‌کنند. اعتدال مانند ریفیقش، عدالت مظلوم است؛ برخی از عدالت برای ظلم استفاده می‌کنند. ان شاءالله در برنامه‌ها اهل اعتدال باشیم تا جذب حد اکثری و دفع حد اقلی داشته باشیم. «کن سمحا.»

2- خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مباحث بورس، پیشنهادی داشتیم که در جلسه گذشته مفصل مطرح کردیم؛ تحت عنوان راه‌های عملیاتی بورس یا همان بورس اسلامی. معاملات، برخی مشروع هستند و برخی نامشروع. ما معاملات را منحصره و محصوره نمی‌دانیم؛ تا قیام قیامت، راه بسط معاملات مختلف باز است. فقیه و حوزه باید در هر زمانی، جواب مسائل مستحدثه را داشته باشد. راه‌های مشروعیت عملیاتی بورس را پیشنهاد دادیم؛ این متخصصان و صاحبان بورس هستند که بر این اساس باید ان شاءالله کارشان را پیش ببرند؛ در معاملات غرری و ربوی و ضرری و نامشروع نیفتند.

معاملات آتی را با انواع و اقسامش مطرح کردیم.

3- بحث جدید: معامله اختیار معامله

بحثی که رخ می‌دهد، اختیار معامله است.

در قراردادهای بورس ۹۵ و ۹۷ که تفاوت‌های اندکی در این دو سال یافته است، دلیل بر این است که به نواقصش رسیده‌اند و اصلاحاتی انجام داده‌اند. بورس، صاحب نظر اقتصادی را دارد؛ ان شاءالله اقتصاد اسلامی و فقهای صاحب نظر را هم داشته باشند.

4- در مشروعیت قراردادها بین مسلمان و کافر فرقی نیست و همه به وجوب عقلی مکلف

هستند نه وجوب شرعی

یکی از قراردادها، اختیار معامله است. عرض ما این است که بعضی از این قراردادها، شاید منشأ اسلامی نداشته باشد و از غرب باشد؛ ولی حصر تکلیف را به مسلمانان نمی‌دانیم؛ بلکه

مكلف بايد تكليف انجام دهد نه فقط مسلمان. نکته جالب اين است كه در مشروعيت و عدم مشروعيت فرقي در تكاليف شرعي بين اروپا و آمريكا و بازار اسلامي ما نيست؛ همه مكلف هستند، يجب على كل مكلف التقليد به وجوب عقلي است نه شرعي كه اول يا ايها الذين آمنوا آمده باشد و بعد آن.

ميرزاي قمي رحمه الله معتقد است خطابات، همه مكلفين را مي گيرد؛ هم ماه رمضان و هم وقت شرعي روزه و نماز را بر هر مكلف، واجب مي داند چه بخواند و چه نخواند.

5- تعريف معامله اختيار معامله

يا اختيار خريد است و يا اختيار فروش؛ هر يك از طرفين در يك موضوع خاص كه يا كالا يا اوراق بهادار است با قيمت معيني و با تاريخ مشخص، اختيار خريد و يا فروش مي دهد؛ در اختيار معامله، الزام طرفين نيست؛ بلكه واگذاري است؛ نسبتي كه با اين اوراق يا كالا دارد، به ديگري واگذار مي كند؛ نامش عقد يا تعهد يا قرارداد باشد، فرقي ندارد.

«در قرارداد اختيار معامله كه كالا يا اوراق بهادار باشد، در زمان مشخص و معيني يكي از طرفين با نظارت اتاق پايپاي، ديگري را صاحب اختيار در فروش يا در خريد مي كنند [7].»

6- تفاوت قرارداد اختيار معامله با قرارداد آتي

اينجا جا دارد كه بگويم اين قرارداد اختيار معامله، چه تفاوتی با قرار داد آتی دارد كه قبلا داشتيم:

(1) در قرارداد آتي، الزام و تعهد بود؛ بر خلاف اينجا كه الزامي نيست؛ مگر اينكه اين اختيار را به معنای الزام بگيريد.

(2) فرق مهم ديگر كه از اسمش بر مي آيد در قرارداد آتي، طرفين يعني هم بايع و هم مشتري، متعهد مي شدند؛ تضمين هم، پايپاي و طرفيني بود؛ ولي در اختيار معامله، تنها يك طرف، اختيار معامله را واگذار مي كند.

در تفريع فروع، بارها گفته ايم اولين شرط تبين احكام، فروع و مسائل است. مرحوم سيد در عروه، يكي از هنرهای خوب شان، تبين فروع است؛ لذا عروه به همين جهت، بيشتري شروح و حواشي را دارد.

7- تبين معامله اختيار معامله در بورس

کسی که الآن فلان سهم فلان شرکت را دارا است و می‌خواهد اختیارش را به دیگری واگذار کند؛ یا فروش یا خرید یا اختیار هر دو؛ در تبیین موادشان این سومی نیامده، ولی این هم جزو اختیار معامله است و با قرارداد آتی نزدیک به هم می‌شود. در آتی، تعهد طرفینی است؛ ولی اینجا یک طرفه است؛ چه در جانب فروش و چه خرید؛ چه اوراق بهادار و سهام را اختیار خرید یا فروش دهد؛ یا فروش به قیمت ثابت قبلی است و یا کمتر است و یا بیشتر است. عنایت دارید با توجه به اینکه معاملات در بورس است و بورس، لحظه‌ای و در اختیار معامله هم، لحظه‌ای است و همین باعث ضرر یا سود است، از کسانی که در بورس هستند، سؤال کردیم؛ گاهی سودشان به فروش یا خریدشان است؛ ولو اینکه نسبت به معامله قبلی‌شان یا نسبت به کف و سقف خرید و فروش‌شان نوسان داشته باشد؛ دیروز سهمی را خریده، امروز شاخص سهم پایین است؛ به قیمت دیروز، دارد ضرر می‌کند؛ ولی نسبت به امروز، در حال سود است؛ قیمت گذاری امروز این است.

اختیار معامله در سود یا زیان، مراحل مختلفی دارد؛ شاید در برخی مراحل، اصلاً خریدار و فروشنده رغبتی به معامله ندارند. اختیار خرید و فروش را در یک فرع مطرح می‌کنیم. اختیاری که واگذار می‌کند در برخی فروض، اصرار بر خرید یا فروش دارد؛ چرا که سوددهی دارد؛ ولی جایی که مساوی است و یا کمتر است، ضرر دارد؛ قطعاً اینجا رغبت به خرید کمتر است.

8- اختلاف نظر فقها در مسئله معامله اختیار معامله در پی اختلاف مبانی در تعریف بیع

عرض ما این است که آیا این اختیار معامله در خرید یا فروش، صحیح است و یا صحیح نیست؟

چند نکته:

(1) اختیار معامله یک معامله مصوب و مؤید شرعی است؟

شکی نیست که چنین معامله‌ای در زمان شارع نداشتیم؛ ولی اینها در بورس هست؛ کسی خرید یا فروش کالا یا اوراقش را به دیگری محول می‌کند؛ باید دید در ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [8] یا ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ [9] هست یا خیر؟

نظر فقها اینجا دو قسم است:

8.1- مبناي اول: عدم جواز معامله اختیار معامله بر مبناي کسانی که بیع را مبادله دو عین

می‌دانند

یک قسم از فقها مانند شیخ انصاری و قریب به نیمی از فقها، چنین نظری دارند؛ می‌گویند: بیع، یعنی انسان پولی بدهد و معوض یا مثنی را بخرد که عین باشد؛ یعنی بیع را تبدیل عین بمال تعریف می‌کنند.

اگر این مبنا باشد، باید صراحتاً بگوییم که تبدیل عین به مال نیست؛ یک نسبت را خرید و فروش می‌کند؛ حقی را خرید یا فروش می‌کند؛ وکالت خرید و فروش می‌دهد. از اول باید بگوییم اختیار معامله جایز نیست. بیع نیست؛ ولی باید دید معامله دیگری هست یا خیر.

8.2- مبناي دوم: جواز معامله اختيار معامله بر مبناي كساني كه بيع را اعم از مبادله عين يا منفعت (حق) مي‌دانند

بر مبناي دوم كه نظر ما نيز همين است، بايد گفت: هر چيزي كه ماليت دارد، قابل مبادله و خريد و فروش است؛ اعم از اينكه عين باشد؛ چنان كه مشهور مي‌گويند و اعم از اينكه منفعت و حق باشد.

9- جواز خريد و فروش حق منفعت و حق امتياز بر مبناي دوم

در رساله حق و حكم به اين نتيجه رسيديم كه حق و انتفاع هم قابل معامله است؛ استفاده از خانه يا كتابش را مي‌فروشد؛ نه به عنوان اجاره، بلكه بيع؛ اختيار معامله طبق اين مورد، جزو بيع است. اختيار معامله چه در فروش و چه در خريد و يا هر دو كه نزديك به آتي مي‌شود؛ عرض ما اين است كه اشكالي ندارد. در عصري كه الان زندگي مي‌كنيم، حق امتياز، خريد و فروش مي‌شود؛ حق تعلق نسبت كسي به جنسي و كالايي يا هر چيزي. بيع؛ اعم از منفعت و عين است.

(2) اگر تعلق به حق گرفت، حق هم قابل خريد و فروش باشد؛ ممكن است برخي بگويند: حق، قابل خريد و فروش نيست.

10- جواز خريد و فروش حقوق از جمله حق امتياز، عرفي و عقلايي و مورد تأييد شارع است

(3) حق امتياز در عرف عقلا، قابل مبادله است؛ عمده دليل ما اين است؛ نه اينكه از اول سراغ «أحل الله البيع» برويد.

اين معاملات، عقلايي و عرفي است؛ اينها ثانويه و مورد تشريع شارع مقدس است. اين معاملات را هم، اعم از حق و حقوق و اعيان و منافع مي‌دانيم. حق را از اقسام مي‌دانيم كه قابل مبادله و غير آن است.

ما عدم لیاقت حقوق را برای مبادلات به خصوصیت می دانیم نه عمومیت؛ چرا که حق را قابل مبادله می دانیم؛ عقلا با این معامله می کنند و از این می فهمیم معامله جایز است.

11-روایات جواز خرید و فروش منفعت و حق

وإسناده عن الحسن بن محمد بن سماعة ، عن عليّ بن رثاب وعبد الله بن جبلة ، عن إسحاق بن عمار عن عبد صالح (موسی بن جعفر) (علیه السلام) قال: «سألته عن رجل في يده دار ليست له ولم تزل في يده وید آباءه من قبله قد أعلمه من مضي من آباءه أنها ليست لهم، ولا يدرون لمن هي فيبيعها ويأخذ ثمنها؟ قال: ما أحب أن يبيع ما ليس له، قلت: فإنه ليس يعرف صاحبها ولا يدري لمن هي، ولا أظنه يجيء لها ربّ أبداً، قال: ما أحب أن يبيع ما ليس له، قلت: فيبيع سكانها أو مكانها في يده فيقول: أبيعك سكناي وتكون في يدك كما هي في يدي، قال: نعم يبيعها على هذا[10].»

ان شاء الله حدیث را فردا بررسی می کنیم؛ خانه ای دارد که سالیانی در اختیار فرد است، ولی مالک نیست و نسل به نسل در آن تصرف می کنند؛ می توانند آن را بفروشند؟ اصل خانه فروش بشود یا منفعت، دو سوال است؟ اگر ثابت شود منفعت قابل خرید و فروش است، اختیار معامله هم قابل خرید و فروش است. کسانی که بیع را معامله عین می دانند، جایز نیست؛ ولی کسانی که بیع را اعم از عین می دانند، صحیح است و شاملش می شود.

12-اضافه شدن قید «حق تسویه» در تعریف معامله اختیار معامله در قوانین بورس

در قانون بورس سال ۹۷ دارد که در معامله اختیار معامله، حق تسویه آن را هم دارد، [11] ولی در سال ۹۵ این تسویه نیست. در معاملات خارجی مانند معامله های در امریکا و اروپا بحث است؛ از همان زمان که اختیار داده حق رجوع دارد و یا از زمان تسویه حساب، اختلاف است؛ تفاوتش این است که یکی اختیاراتش چند ماه می شود و دیگری دو سه روز می شود. حق تسویه را اضافه کردند تا خصوصیت بهتری بیابد.

[1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۳۲۳، حکمت ۳۱.

[2] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۳۲۷، حکمت ۷۰.

[3] نهج الفصاحة، پاینده، ابوالقاسم، ج ۱، ص ۴۶۶.

[4] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۲۹.

[5] گلستان سعدی، باب سوم در فضیلت قناعت، حکایت شماره ۷.

[6] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۳۶۵، حکمت ۳۱۲.

[7] منبع: سایت ویکی فقه.

[8] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.

[9] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[10] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۷، ص ۳۳۵، أبواب عقد البيع و شروطه، باب ۱، ح ۵، ط آل البيت.

[11] دستورالعمل معاملات قرارداد اختیار معامله در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مصوب ۹۷/۲/۲۶ هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار، فصل ۱ (تعاریف و کلیات)، ماده ۱، بند ۴۳؛ « قرارداد اختیار معامله: اوراق بهاداری است که به موجب آن فروشنده اوراق متعهد می شود در صورت درخواست خریدار، تعداد مشخصی از دارایی پایه را به قیمت اعمال، معامله یا در صورت توافق طرفین، تسویه نقدی کند. خریدار اوراق می تواند در زمان یا زمان های معینی در آینده طبق قرارداد، معامله را انجام دهد. فروشنده اوراق اختیار معامله در قبال این تعهد، مبلغ معینی از خریدار اوراق دریافت می کند. برای جلوگیری از امتناع فروشنده اوراق از انجام قرارداد، فروشنده ضمن قرارداد متعهد می شود مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد کارگزار بورس یا اتاق پایا پای قرار دهد و متناسب با تغییرات قیمت اوراق اختیار معامله، آن را تعدیل کند. هر یک از خریدار و فروشنده می توانند در مقابل مبلغی معین، اختیار یا تعهد خود را به شخص ثالثی واگذار کنند که وی جایگزین آنها خواهد بود. اوراق اختیار معامله می تواند به صورت اختیار فروش یا اختیار خرید باشد.» منبع: پایگاه قوانین و مقررات بازار سرمایه ایران.